



الگوهای جدید برای توسعه آفریقا



منبع: WWW.K.Godiev.net
مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

اقتصادهای آفریقایی با نرخ رشدی معادل ۵/۵ درصد به آیندهای نزدیک چشم دارند که به نرخ رشد دو رقمی (حداقل ۱۰ درصد) دست یابند. دونالد کابروکا، رییس بانک توسعه آفریقا، در اجلاس بهاری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی اظهار داشته است: «آفریقا، به پیش می‌تازد و برماست که با سیاستگذاری‌های منطقی و دوراندیشانه، به رویاهای همیشگی مان، جامه عمل بپوشانیم.» شبیه همین اظهارنظرهای سرشار از امید به ترقی و پیشرفت را می‌توان در لابلای سخنان دولتمردان کشورهای آفریقایی و بانکداران این کشورها نیز مشاهده نمود.

رستاخیز سیاه

جالب است بدانید که آقای کابروکا، ریاست نهادی را بر عهده دارد که یک دهه قبل در آستانه سقوط و ورشکستگی قرار داشت و فقط اعتبار پیشین آن موجب بقای آن شد. اما امروزه بانک توسعه آفریقا، حرف‌های زیادی برای گفتن و شنیدن دارد. این بانک در سال ۲۰۰۴، سیاست تمرکززدایی را در پیش گرفت و ۲۵ دفتر مرکزی رسمی را در ۲۵ کشور آفریقایی تأسیس نمود تا بدین وسیله، نظارت و کنترل بیشتری بر اجرای برنامه‌های خود داشته باشد. بانک توسعه آفریقا توانست تا سال ۲۰۰۶،

توجه جهانیان، باز هم به سوی قاره سیاه جلب شده است و باز هم شاهد حضور مشاهیر دنیای بانکداری از قبیل سیتی‌گروپ، گلدمن ساکس، جی پی مورگان و غیره در کشورهای مختلف آفریقایی هستیم. سرمایه‌گذاری خارجی در آفریقا به صورت تأسیس شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌های مشترک و اجرای پروژه‌های زیربنایی شکل می‌گیرد. در این میان، نباید نقش تعیین‌کننده و کلیدی چین و شرکت‌های چینی را فراموش کرد. دیگر جای تعجب و شگفتی نیست که اجلاس سالانه بانک توسعه آفریقایی (AFDB)^(۱) نه در یک پایتخت آفریقایی، بلکه در شانگهای چین برگزار می‌شود و چینی‌ها، نقش ایدئولوگ و ایده‌پرداز را در توسعه آفریقا بازی می‌کنند. چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای را در آفریقا بازی می‌کند، البته نقشی کاملاً متفاوت با بازیگران پیشین و عمدتاً غربی.

همگان بر سر این موضوع توافق دارند که آفریقادربره‌های حساس از دوران توسعه و رشد قرار دارد و می‌تواند آینده‌اش را خودش رقم بزند. سیاستگذاران و دولتمردان آفریقایی در مورد اولویت سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، ظرفیت‌سازی، تشکیل اتحادیه‌های منطقه‌ای، گسترش آموزش و کاهش فقر و بیماری، همسو و هم‌نظر هستند. در حال حاضر،

تا یک دهه قبل، چین هیچ‌گونه وام و تسهیلات بانکی در اختیار دول آفریقایی قرار نداده بود، اما امروزه به بزرگترین قرض‌دهنده به آفریقا تبدیل شده است.

در حوزه‌هایی چون اعطای وام های بانکی کلان، وام های بلاعوض و بخشش بدهی ها، دست به رکوردشکنی بزند و عملکردی درخشان از خود بروز دهد. فعالیت های مالی این بانک در سال ۲۰۰۶، بیش از ۳۲ درصد بیشتر از سال قبل از آن بود و به ۳/۴ میلیارد دلار رسید. اوج موفقیت بانک توسعه آفریقا در حوزه های مالی مربوط می شود به پیروزی این بانک در مباحث مربوط به بخشش بدهی های کشورهای کم درآمد از سوی کشورهای عضو گروه هشت.

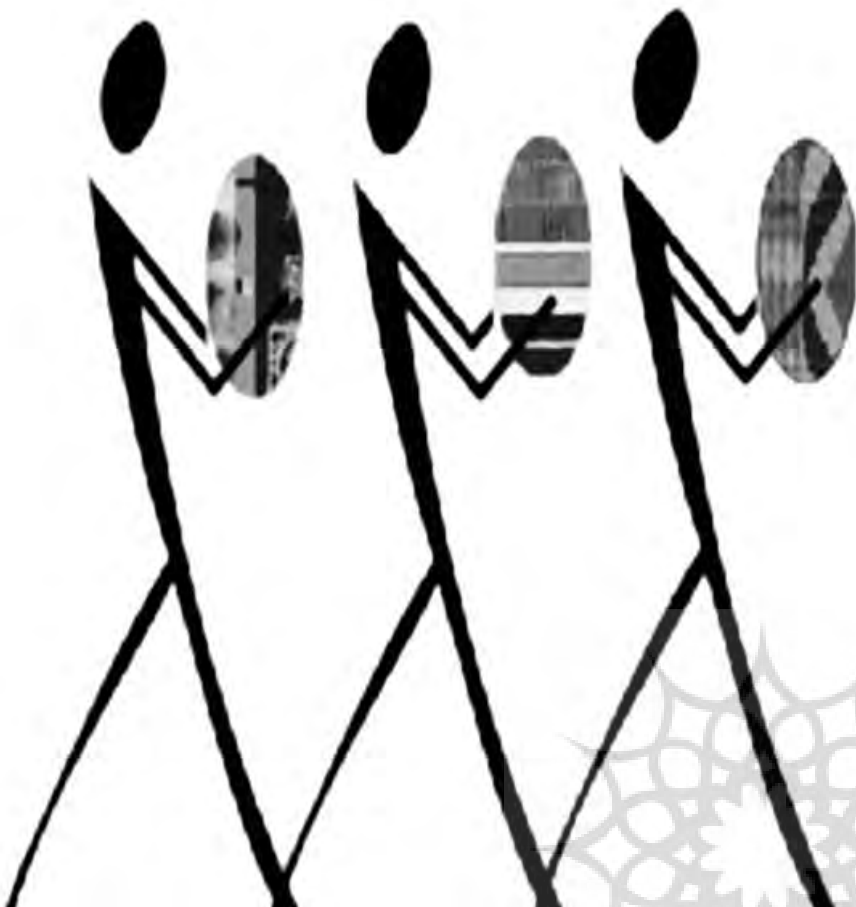
بانک دانش (۲)

بانک توسعه آفریقا توانسته است جایگاه خود به عنوان "بانک دانش آفریقا" را مستحکم سازد و با برگزاری کارگاه های آموزشی و مشاوره ای، نقش اساسی را در ارتقای سطح علمی بانکداران و سیاستگذاران اقتصادی و مالی کشورهای عضو ایفا نماید. به عنوان مثال، در بهار گذشته، چندین کارگاه آموزشی در چند پایتخت آفریقایی برگزار شد که هدف اصلی آنها، بهبود استراتژی های توسعه ای برای حوزه های چون آموزش، ارتقای علم و تکنولوژی و تشویق بخش خصوصی بود. تقویت ساختارهای علمی و تکنولوژیک، افزایش سرمایه گذاری های زیربنایی و اجرای اصلاحات سیاسی و اقتصادی نیز از جمله اهداف نهایی برگزاری چنین کارگاه هایی اعلام شده است.

زینب البکری، نایب رییس بانک توسعه آفریقا، در اجلاس مشترک این بانک با IMF و بانک جهانی گفت: «ما، به عنوان یک بانک توسعه ای منطقه ای، قصد داریم تا به عنوان یک بانک دانش معتبر عمل کنیم و ظرفیت های علمی قاره آفریقا را در ابعاد گوناگون، بهبود بخشیم. ما باید بپذیریم که توسعه تکنولوژیک، مهم ترین پیش شرط و پیش نیاز برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار محسوب می گردد و تجربه آسیا در این مورد، بهترین مثال و نمونه است.»

اولویت های مورد توجه بانک توسعه آفریقا همان حیطه هایی هستند که کشورهای آفریقایی به طور سنتی در آنها ضعیف و عقب مانده اند، از جمله تأسیسات زیربنایی در بخش انرژی، آب و حمل و نقل. به همین جهت، AFDB در تلاش است تا تسهیلات اعتباری مناسب و کم هزینه ای را برای بهبود این وضعیت نابسامان در اختیار اعضا قرار دهد. بنابراین، می توان ادعا کرد که تأمین مالی پروژه های عظیم و زیربنایی آفریقا و ایجاد تأسیسات مرتبط با انرژی های جدید و سبز، در رأس فعالیت ها و سیاستگذاری های AFDB قرار دارد. نمونه بارز و مصداق ملموس پیاده شدن این سیاست را می توان در حمایت مالی بانک از طرح عظیم نیروگاه التین در مصر، پروژه احداث سد و نیروگاه در اوگاندا و موارد مشابه آنها در سراسر نقاط آفریقا مشاهده نمود.

تقویت بنیان های ارتباطی میان کشورهای آفریقا، به ویژه از طریق راهسازی، ساخت خطوط راه آهن و فرودگاه، از دیگر اولویت های بانک توسعه آفریقا به شمار می آید. برنامه ساخت بزرگراه در زامبیا، تانزانیا و کنیا و احداث پل بزرگ و عظیمی که دو کشور زامبیا و بوتسوانا را به هم متصل می کند، از جمله پروژه های بزرگی است که AFDB نقش حامی و پشتیبان



اصلی آنها را بر عهده دارد.

کمبود آب هم معضلی است که آفریقا به طور سنتی از آن رنج برده است. به عقیده بیشتر کارشناسان امور توسعه ای آفریقا، مهم ترین عامل عدم تحقق اهداف مقرر در برنامه توسعه هزاره سازمان ملل^(۳) در آفریقا، خشکسالی چندساله و کمبود یا نبود منابع آبی بوده است. با این حال، باید دانست که آفریقا، قاره چندان کم آبی هم نیست، چونکه براساس آمار رسمی و معتبر، کشورهای آفریقایی تاکنون فقط از چهار درصد ذخایر آبی خود استفاده کرده اند و فاقد تأسیسات لازم برای استخراج و استفاده از ۹۶ درصد منابع آبی تجدیدپذیر خود می باشند. بنابراین، توجه به بخش آب و ایجاد تأسیسات مربوط به تحصیل، انتقال و تصفیه آب می تواند بسیاری از موانع موجود بر سر راه توسعه آفریقا را از میان بردارد. به همین جهت، بانک توسعه آفریقا قصد دارد تا میزان سرمایه گذاری و تأمین مالی خود در پروژه های مرتبط با آب در آفریقا تا ۵۰ درصد افزایش دهد و به سطح قابل قبولی برساند.

و اما چینی ها

آفریقایی ها از مدت ها قبل به دنبال یافتن الگویی مناسب و شایسته برای توسعه پایدار و موفقیت در برنامه های اقتصادی خود بوده اند و سرانجام کلید موفقیت خود در این بخش را در سرزمینی دور دست، یعنی در چین یافته اند. توجه خاص چین به

اوج موفقیت بانک توسعه آفریقا در حوزه های مالی، مربوط می شود به پیروزی این بانک در مباحث مربوط به بخشش بدهی های کشورهای کم درآمد از سوی کشورهای عضو گروه هشت.



انجام آن است.

کاهش فساد

یکی دیگر از مشکلات و معضلات بیشتر کشورهای آفریقایی، شیوع فساد مالی، سیاسی و اقتصادی است. بدون تردید، هر اقدامی برای توسعه اقتصادی پایدار در قاره آفریقا، بدون تلاش برای ریشه کنی فساد در میان دولتمردان و مجریان امر، بی‌ثمر و عبث خواهد بود. به همین منظور، کمیسیون جرایم اقتصادی و مالی^(۴) (EFCC) وابسته به سازمان ملل، برنامه مدونی را برای تقویت سازمان‌های ناظر بر عملکرد دولت‌های آفریقایی، به مرحله اجرا درآورده است که در صورت پیاده شدن دقیق و کامل اجزای آن، می‌توان به بهبود وضعیت فساد اداری و مالی در آفریقا امیدوار بود.

سیاست‌های تشویقی نیز در این میان، می‌توانند موجب تشویق دولت‌ها به جدی گرفتن بحث مبارزه با فساد گردند. دادن انگیزه‌هایی چون بخشش بدهی کشورهایی که در راستای مبارزه با فساد اقتصادی، گام‌های مؤثری را برداشته‌اند، یکی از همین سیاست‌های تشویقی است که از سوی سازمان ملل، بانک جهانی و گروه هشت به طور جدی دنبال می‌شود.

کاهش فساد از راه‌ها و کانال‌های مختلفی به تقویت رشد اقتصادی پایدار کمک می‌کند: کاهش تورم، برخورداری شدن از مزایای بخشش بدهی‌ها، موفقیت اصلاحات بانکی و تجاری، از جمله دستاوردهای مهم کاهش فساد در کشورها به شمار می‌آیند و روند خصوصی سازی را نیز کارآمدتر و مفیدتر می‌سازند. سرمایه‌گذاران خارجی، ترجیح می‌دهند تا سرمایه‌شان را در جایی به کارگیرند که فساد کمتر و امنیت سرمایه‌گذاری بیشتر باشد و این امر، محقق نخواهد شد مگر با اهتمام و کوشش پیگیر و هدفمند سیاست‌گذاران و دولتمردان آفریقایی جهت دگرگون سازی الگوهای توسعه بومی کردن آنها.

آفریقا نیز از سال ۲۰۰۴ آغاز شد، زمانی که هوجین تائو، اعلام کرد که سیاست بلندمدت دولت چین بر پایه تقویت مناسبات و تحکیم حضور چین در قاره آفریقا، استوار شده است. اجلاس شانگهای نیز مهر تأکیدی بود بر تداوم این سیاست و دادن اطمینان به دولتمردان آفریقایی که "چینی‌ها، پشت سر شما هستند".

دولتمردان آفریقایی، دریافته‌اند که می‌توانند درس‌های مفیدی را از تجربه موفق آسیایی‌ها، به ویژه چینی‌ها، برای رسیدن به توسعه و رشد اقتصادی چشمگیر و دایمی بیاموزند و از توسعه آسیایی، الگوبرداری نمایند.

تا یک دهه قبل، چین هیچ گونه وام و تسهیلات بانکی در اختیار دول آفریقایی قرار نداده بود، اما امروزه، به بزرگترین قرض‌دهنده به آفریقا تبدیل شده است. تجارت بین چین و آفریقا در سال ۲۰۰۶، به بیش از ۵۵/۵ میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل از آن، بیش از ۴۰ درصد رشد داشت. هم اکنون، ملل آفریقایی با کمال میل و با آغوش باز از چینی‌های خوشنام استقبال می‌کنند، کاری که در مورد غربی‌ها کمتر انجام می‌دهند.

شرکت‌های چینی در کشوری مثل زامبیا، سرمایه‌گذاری‌های عظیمی کرده‌اند. به عنوان نمونه، چند شرکت چینی، بیش از ۸۰۰ میلیون دلار در منطقه اقتصادی جدید زامبیا سرمایه‌گذاری کرده‌اند و به زودی یک معدن عظیم مس را در این کشور راه‌اندازی می‌نمایند. این سرمایه‌گذاری، هم به سود شرکت‌های چینی است و هم به سود مردم این کشور. نکته جالب تر در مورد این سرمایه‌گذاری این است که برای اولین بار، حضور خارجی‌ها در زامبیا، نه جنبه نظامی دارد و نه ابعاد سیاسی.

شبهه همین وضعیت در مورد حضور چینی‌ها در جمهوری دموکراتیک کنگو، آفریقای جنوبی و نیجریه نیز مشاهده می‌شود. وجود منابع عظیم نفت و هیدروکربن در نیجریه و دلتای نیجر موجب شده است که سرمایه‌گذاران چینی، بی‌اعتنا به بی‌ثباتی‌های سیاسی اخیر، تا ۲/۳ میلیارد دلار در این منطقه سرمایه‌گذاری نمایند، کاری که کمتر کشور غربی حاضر به

پانوشته‌ها

- 1) African Development Bank.
- 2) Knowledge Bank.
- 3) Millennium Development Plan.
- 4) Economic and Financial Crimes Commission.

چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، نقش تعیین‌کننده‌ای

را در آفریقا بازی می‌کند، البته نقشی متفاوت با بازیگران پیشین و عمدتاً غربی.